

منظری فیلسوفانه از تهران آینده

نگاه کل نگر به نقش اراضی عباس آباد در روند برنامه ریزی شهر تهران

dibadj@hotmail.com

سید موسی دیباج / دکترای فلسفه / عضو هیئت علمی دانشگاه تهران

برای مثال مقایسه کنید تصویر تهران به هنگام ورود به شهر پس از اتوبان خلیج فارس، شهری تیره و دراز کشیده و مبهم در اندازه و اجزاء و ریخت است. بر بالای تپه‌های شهرک شهید محلاتی (حضیره سابق) به سمت غرب از تهران دورنمای زیبایی وجود دارد؛ سلسله ساختمان‌های تقریباً بلندی که از دور به نظر می‌رسد در کنار یکدیگر با اندازه‌های متفاوت و رنگ‌های متفاوت ظاهر شده‌اند و پس زمینه آبی رنگ فضا، صورت تابلویی دلپسند به آن می‌دهد. یک تصویر متمایز دیگر از تهران در مراحل پایانی اتوبان کردستان - صدرا از مجموعه منطقه شمالی تهران ظاهر می‌شود. به دلیل افت ارتفاع نسبی طبیعی منطقه منظر گاه، عظمت و بلندی قلل سفید سر بلند توچال و یال بلند تا شاه‌نشین و زیبایی دامنه‌های کوهستانی که بر آن گویی رشته‌هایی از ساختمان‌های زیبا و بلند جورواجور بر دامنه آن افتاده است، قابل رؤیت است و بسیار دل‌انگیز می‌نماید.

نکاتی در باب توسعه اراضی عباس آباد

برای توسعه منطقه تپه‌های عباس آباد دو ملاحظه بنیادی را می‌توان و باید در نظر داشت:

1. تپه‌های عباس آباد بخش بالای مرکزی رو به شمال و در خور توجه تهران است. حیات آینده تهران به‌عنوان یک کلان‌شهر آسیایی با مسیر خود در شبکه‌های اقتصادی و فرهنگی جهانی شهرهای مدرن در هم آمیخته است و تار و پود اجتماعی و سیاسی آن را همین شرایط فراشهری دوباره می‌بافد و تعریف می‌کند. ظاهراً بخش‌های ساخته شده در منطقه اراضی عباس آباد فاقد قطاع اقتصادی بین‌المللی است. گویا رشد اقتصادی منطقه بیشتر باید تحت الشعاع مناطق محیطی و کلان‌شهر تهران تعریف شود. به دلایل اجتماعی، سیاسی و اقتصادی هنوز عارضه‌های جهانی شدن دامن این شهر را آن‌چنان که باید نگرفته است.

2. مشخصات منطقه عباس آباد که بر پیرامون مرکز شهر واقع شده صرفاً از نظر قابلیت‌های فضایی درونی تهران بحث و بررسی شود. در این نگاه، موضوع توسعه تهران در تمامیت آن و توسعه منطقه مورد بحث به اصول موضوع مطالعات شهری تحویل می‌شود و تأثیر شبکه‌های جهانی اطلاعات و قدرت بین‌المللی شهر تابع ملاحظات دانش مطالعات شهری واقع خواهد شد. منطقه عباس آباد در کلیت به سان قلمروهای شهری ممتازی سنجیده می‌شود که ماجرا و داستان خود را دارد.

در نیم سده اخیر، توسعه شهری تهران شبیه به توسعه یک موجود چهارسویه است. اطراف توسعه کلی چهارسویه شهر تهران هیچ‌گاه به نحوی متمم و مکمل یکدیگر نبوده است و منطقه تپه‌های عباس آباد تا سه دهه پیش همچون نقطه‌های جغرافیایی مانده و متروک تلقی می‌شده است.

بدیهی است ما نمی‌توانیم مشکلات شهری تهران را با برنامه توسعه تپه‌های عباس آباد یکباره مرتفع سازیم. خوب و یا بد بودن شهر تهران نسبت به منطقه محدود عباس آباد همچون تعیینات فائق و مستولی بالایی خواهد بود. پیش‌فرض‌های ارزشی پنهان و آشکار توسعه خواسته و ناخواسته تهران، به‌طور یقین مفروضات ارزشی و هنجاری برنامه توسعه مناطق تپه‌های عباس آباد را تحت الشعاع قرار خواهد داد.

شهر تهران واقعیتی نو برخاسته از ناحیه موسوم به دشت ری در سایه جنوبی رشته کوه‌های البرز میانی است. به دلیل اهمیت امروزی شهر تهران به‌عنوان پایتخت در



یک و نیم سده اخیر ایران، مبدأ شهر تهران بیشتر به لحاظ تاریخی مورد توجه صاحب‌نظران بوده است تا ملاحظات جغرافیایی و ژئومورفولوژی و مبدأ جغرافیایی و طبیعی آن. لازم است به جای رجوع به احاله تاریخی (historical reductionism) برای مطالعه وضعیت توسعه اراضی مانند عباس آباد در تهران به احاله جغرافیایی (environmental reductionism) متوسل شویم. در مقایسه با تئوری‌های عملکردی و هنجاری، تئوری برنامه‌ریزی به اهمیت فرایند تصمیم‌گیری محیطی، چه آنچه هست و چه آنچه باید باشد، ارتباط دارد.

اگر بتوانیم به پرسش «تهران چرا اینگونه شد؟» پاسخ دهیم، می‌توانیم هویت در حال تغییر تهران را معرفی کنیم و بگوییم «تهران اینگونه است» و «تهران اینگونه زنده است».

واژگان کلیدی: احاله جغرافیایی، شهرسازی، فضای شهری پیرامونی، تهران، اراضی عباس آباد.

تهران چه بود و اکنون چیست؟

از لحاظ زمانی و تقویم‌شناسی، شهر تهران به مقصود پایتخت ایران ایجاد شده است. تشکیل و توسعه تدریجی این شهر در زمان‌های گوناگون و دوره‌های سیاسی مختلف فاقد طراحی‌های علمی و پیوسته و پیگیر بوده است. سیاست‌های کلی در برنامه ساخت تهران برخاسته از نگاه‌های اصیل اقتصادی، سیاسی و یا حتی عملکردی به مفهوم منطقی آن نبوده است. تهران در قیاس با شهرهای بزرگ پیشرفته جهان، به رغم گسترده و غول‌آس بودن در اندازه، به عنوان یک «شهر عادی» در اصطلاح «جنیفر رابینسون» توصیف شدنی است. (Robinson, 2006) استثنای خاص تهران، قرار گرفتن آن بر دامنه‌های البرز مرکزی است. اما شهر یک «شهر عادی» است.

در وضعیت فعلی تهران اگر شهر جهنمی (Hell City) نباشد، همسایه جهنم (A neighbor from hell) است. این کافی نیست که برخی مناطق مختلف شهر تهران را بی‌هویت، نامطلوب و نامناسب توصیف کنیم. شهر تهران در کلیت طبیعی و شهری خود آن‌گونه که امروز مشاهده می‌کنیم، در آستانه بی‌هویتی مطلق، زشتی‌های عجین شده و تعیینات ناسازوار انسانی است. تصویرهای ما از منظره تهران بسیار متعارض و مخالف است.

داستان روبه پایان شهر تهران سرانجام سرنوشت بخش عباس‌آباد را به‌عنوان جزئی از این حکایت خواهد نوشت.

شهرسازان ما حکایت عباس‌آباد را چگونه نوشته‌اند؟

اکنون آیا شهرسازان حرفه‌ای برای طرح توسعه تپه‌های عباس‌آباد در درجه اول به مسائل ملی، کشوری و اهمیت پایتختی تهران می‌اندیشند یا صرفاً این طرح را در محدوده حیات کلان‌شهر تهران پرسش و تعریف می‌کنند؟ پاسخ‌های این دو گروه از شهرسازان مسلماً متفاوت خواهد بود. تهیه و تنظیم یکسان و راه‌حل یگانه‌ای برای طرح مسئله وجود نخواهد داشت. دایره مصالح ملی ضرورتاً با دایره منافع شهری به نحو تمام عیار منطبق نخواهد بود؛ اما اجرای تعادل ممکن بین این مصالح و منافع دوگانه، حاصل کار فلسفی و نظری سیاستمداران و شهرسازان خواهد بود.

اصالت یک شهر در مفهوم تاریخی شهر، عمر و پایداری تاریخی آن به‌رغم پذیرش تحولات تاریخی، متعادل بودن و مرتبط بودن اجزاء آن در درون و بیرون، سودمندی آن نسبت به کلیت‌های بزرگ‌تر، استان، کشور و شاید مجموعه‌ای چون شهرهای دیگر جهان و نیز شیوه تأثیر و عامل بودن سیاسی آن با مراتب و نظامات سیاسی بزرگ‌تر (کل کشور) و کوچک‌تر (سلطه شهر بر بخش‌ها و روستاهای دیگر) تعریف می‌شود. در ضمن پیش از هر چیز تکامل یک شهر هرگز نباید مانع حیات هیچ‌یک از موجودات زمین شود. پدیده فضولات شهری لازمه حیات شهری است، اما نباید مناطق حیاتی روی زمین را تهدید کند و موجب آلودگی کره زمین شود.

الگوی فضایی عناصر کالبدی بزرگ منطقه عباس‌آباد، شامل بخش طبیعی سلسله تپه‌ها است که فضاهای فراز و نشیب آنها پوشیده از درختان و یا برهنه است و بخش ساخته شده عمارات بزرگ، مؤسسات و خیابان‌ها و پارک‌ها است. به عقیده من اجزاء تشکیل‌دهنده نظام اجتماعی منطقه در ارتباط با مناطق پیرامونی، در کنار نظام بازار و اقتصاد فضای سبز تنها پس از وضع تعاریف و معانی فضایی توزیع صحیح و موزون و متناسب فضاهای بسته و باز، محیط، ساخته‌ها، عناصر اساسی، کانال‌های ارتباطی حائز تعریفی دوباره می‌شود.

ارزش‌های اصیل طبیعی - محیطی اراضی عباس‌آباد به شکل و وضع طبیعی اراضی در تهران مربوط می‌شود. برنامه اساسی برای توسعه اراضی عباس‌آباد و استفاده از فرصت محیط‌زیستی منطقه مذکور برای سامان دادن به شکل شهر به‌دلیل انبوه مشکلات پیرامونی که با تاریخ تهران پیوند خورده است، باید همراه با ملاحظات سلبی و احتیاط‌آمیز باشد. هرگونه تلاشی در این برنامه‌ریزی باید در جهت کاهش تسلط اجتناب‌ناپذیر مناطق پیرامونی و کلیت شهر تهران باشد. امکان‌سنجی ظرفیت جمعیتی، تقسیم و توسعه آن و کمیت

و کیفیت ارتباطات و حجم ترافیکی نیز از مسائل ضروری پروژه مذکور است. از آنجا که آینده شهر تهران با تردیدهای فراوان درهم آمیخته، بیش از هر چیز، نجات این شهر از رنج عدم وجود قدرت و تسلط مرکزی می‌تواند همچون ارزش پایه‌ای دیگری برای طرح توسعه اراضی عباس‌آباد در نظر آید. اهمیت سیاسی بخش‌های ساخته شده عباس‌آباد به اضافه بخش‌های دیگری که در آینده به انضمام می‌پیوندند، می‌تواند فقدان سلطه مرکزیت سیاسی خاص برای شهر تهران را رفع کند.

تهران به مثابه یک تن، عباس‌آباد به مثابه کدام اندام؟

مجموعه عباس‌آباد را نمی‌توان چون واحد محله‌ای برای تهران تلقی کرد. این یک مجموعه زیستی نیست که در نسبت جزء به کل با تهران باشد و واحد اجتماعی و فضایی مستقلی را به تهران عرضه کند. شاید مجموعه‌های زیستی انسانی و مناظر و چشم‌اندازهای طبیعی را بتوان به نحو هماهنگ سازمان داد. بین بخش تپه‌های عباس‌آباد و دیگر بخش‌های شهر تهران هیچ کلیت ارگانیک وجود ندارد. نمی‌توان گفت تپه‌های عباس‌آباد به مثابه رأس شهر تهران، قلب و یا اندام بازوانی آن است. ژئوتوپولوژی عباس‌آباد گرچه به قسمت میانه بالایی شهر تهران می‌ماند اما قلب تهران نیست. در حال حاضر عمده سازمان‌های اداره‌کننده کشور، ادارات استراتژیک و ساختمان دولت و یا ریاست جمهوری نیز در این قسمت واقع نشده تا بتوان آن را همچون رأس پایتخت توصیف کرد.

متخصصان شهری و

شهرسازان منطقه عباس‌آباد نباید منافع یک طبقه اجتماعی، یک سازمان و یا یک گروه خاص را در اولویت نظر قرار دهند. اگرچه شهرساز نباید تنها به طبقات محروم اجتماعی باندبند شد و اجرای عدالت اجتماعی را هنجار مقدماتی خود تلقی کند. کوبن لینیچ^۱ ارزش‌ها و تعاریف شهری را موضوعات پیچیده و لاینحل می‌داند.

(لینیچ، ۱۳۷۶: ۴۷) تعریف این‌که نقشه مناطق عباس‌آباد در کل و یا جزء چگونه باشد با ارزش‌گذاری شهری، یعنی این‌که چه چیزهایی باید باشد توأم است و اخلاق شهرگذاری (Urban Plan Morality) از تعریف شهر جدا نیست.

شهر تهران پس از اجرای طرح توسعه عباس‌آباد باید به مراتب والاتری از کلیت حیات شهری نایل شود. توسعه شهری مناطق محیطی تپه‌های عباس‌آباد هم از نظر برنامه‌ریزی و هم از نظر عملکردی فاقد یک نظم و ترتیب منطقی و موجه به نظر می‌رسد و این توسعه بی‌رویه اطراف محیطی به‌طور طبیعی آثار خود را به توسعه محتمل مناطق محاطی خواهد داشت. کیفیت محیطی اطراف عباس‌آباد خنثی نیست و نباید فضای شهری پیرامونی را به صورت انتزاعی فضای ایده‌آلی تصور کرد که اینک تنها نیاز به رفع برص عباس‌آباد دارد.

نتیجه‌گیری

شک نباید کرد عباس‌آباد هیچ‌گاه یک باغ‌شهر آرمانی نخواهد شد؛ نه در این زمان و نه در آینده که جمعیت آن بیشتر و فضاهای ساخته‌شده آن متراکم‌تر و پوسته‌های خارجی تحمیلی بر آن افزون‌تر خواهد شد. در برنامه توسعه اراضی عباس‌آباد باید حدود کمی توسعه، حداکثر و حداقل مدنظر باشد. نمی‌توان به توسعه بی‌قید و شرط این مجتمع زیستی آری گفت به ویژه به‌دلیل استقرار آن در مناطق نسبتاً مرکزی تهران و محدود شدن با گذرگاه‌های ارتباطی و بزرگراه‌های مهم شهر که تراکم بیش از اندازه آن سبب اختلال در عملکرد این گذرگاه‌ها و شاهراه‌ها خواهد شد و این خود، عامل بازدارنده‌ای در ارتقاء کیفیت شبکه‌ها و سازمان ارتباطات تهران در سطح محلی است.

منابع

لینیچ، کوبن (۱۳۷۶) *تئوری شکل خوب شهر*، ترجمه: دکتر سید حسن بحرینی، انتشارات دانشگاه تهران.
Robinson, Jenifer (2006) *Ordinary Cities: Between modernity and development*, London: Routledge.